

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عباس دهقان
۰۷ سپتمبر ۲۰۲۴

رشد جریانات راست

در این سال‌ها (به ویژه پس از فروپاشی بلوک شرق) جریانات و گروه‌های راست‌گرا رشد بسیار داشته‌اند و در این دوران در کشورهای غربی بس گسترده گشته. بیشترین احزاب کمونیست و سوسیالیست ماهیت، خط و رنگ و روی خود را باخته و به نیروهای میانه و لیبرال تبدیل گشته‌اند. پس از درگذشت رهبران پرتوان و مبارز تاریخی در چند دهه گذشته، نسل نوینی بر سرکار آمد که در زمینه‌های ایدئولوژیک، سیاسی، دانش و پاکی بسیار متفاوت با پیشینیان هستند، و از این روی لبه شمشیر مبارزه با سرمایه‌داری لگام‌گسیخته و استثمارگر کُند گشته است و با نبودن مبارزه‌ای درست و پایه‌ای، سرمایه‌داری به گونه‌ای یک‌تاز میدان شده و از این روی شکاف میان داراها و نادارها به مرز انفجار نزدیک گشته است؛ هر روز لشکر بی‌چیزها انبوه‌تر و حلقه شمار سرمایه‌داران سودجو تنگ‌تر می‌شود، تا آنجا که یک سوم از تولید و سرمایه جهانی در دست «سه گروه» (که عملاً یک گروه است) می‌باشد.

بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گریبانگیر مردم شده و زمینه‌ساز برسرکار رفتن دولت‌های ارتجاعی و فاشیستی گشته، که هم‌اکنون در چند کشور اروپائی، چون هنگری، ایتالیا و... شاهد آن هستیم و اینان پنهان و آشکار گام در راه برقراری قوانینی ارتجاعی و ضد مردمی گذاشته‌اند. دسته‌جات جوانان، از بیکاری، ناامیدی به آینده، سرگردانی اجتماعی، نداشتن آگاهی تاریخی، هویت لوزان، که از بی‌کفایتی دولتمردان و نبودن شیوه درست آموزشی و تربیتی سرچشمه می‌گیرد، شوربختانه عصیان خود را در تشکیل گروه‌هایی با باور به فاشیسم و نازیسم سرریز می‌کنند.

بیشترین مدعیان دمکراسی و چپ اندیش بودن در احزاب کشور های غرب، به جای آن که به تدبیر و کرداری برای پاسخ به دشواری‌های گوناگون جامعه پردازند و راهیابی را پیشه کنند به حرافی‌های بی‌بهره در مجالس و ابزارهای ارتباطی اکتفاء می‌کنند و برخی، در مقابل برنامه‌های تهاجمی سود و سرمایه، شیوه اغماض را بر می‌گزینند و گاه در همسوئی آشکار و پنهان با آن.

احزاب بزرگ و یکپارچه چپ و دمکرات پیاپی تجزیه و دچار انشعاب شده‌اند و هر یک به درسد (درصد) آرای اندک انتخاباتی از سوی مردم بسنده می‌کنند؛ برای رهبر و رهبران این گروه‌ها مهم نیست که چرا در بسیاری از کشورها حتی کمتر از نیمی از مردم به پای صندوق‌های رأی می‌روند، بلکه مهم این است که در رأس یک جریان و

گروه قرار بگیرند، اینان، در راه منافع خویش، دست و پا زدن در جوی را به شناور بودن در دریای جامعه ترجیح می‌دهند، چرا که در تله خودمرکزبینی و خودشیفتگی هستند و بازده آن، خواسته و ناخواسته، آب به آسیاب پدید آمدن هر روزه و گسترده شدن گروه‌ها و تشکیلات های راست‌گرا، فاشیستی و نوفاشیستی می‌ریزند و شوربختانه این جریانات ضد مردمی، هرچه بیشتر در راه اتحاد و همسوئی میان خود هستند. بخش درخور توجهی از مردم (به ویژه جوانان) که به بیزاری از سیاست و سیاستمداران حاکم و سرگردانی اجتماعی رسیده‌اند، بی‌آن که به پس‌آمدهای خانمان برانداز حکومت های راست‌گرا بیندیشند، از سر ناامیدی، آنان را گشاینده مشکلات و پاسخگو به نابسامانی‌هایی که هر روزه گریبان‌گیرشان است می‌دانند و به سود آنان رأی می‌دهند، از تاریخ پیدایش فاشیسم و پیامدهای آن کم آگاهند و چون غرق شدگانی هستند که برای نجات خود به سوی هر تکه چوب پوسیده کشتی شکسته شده در طوفان بحر مبارزات گذشتگان، دست دراز می‌کنند.

جائی که درخت خوبی نشکفتد و گل ندهد، بدی و علف‌های هرزه رشد می‌کنند!

بی گمان در چند دهه گذشته سرمایه‌داری جهانی با برنامه و تبلیغات گمراه کننده به سود خویش، در بی خرد و گمراه کردن مردم، در راه درست زندگی و پیشگیری از واکنش آنان در دفاع از حق خود، بسیار کوشش کرده است، اما در این میان، فقر و ستم و پایمال کردن آزادی و حقوق انسانی، بخش بزرگی از مردم و تولید کنندگان را سخت نگران و به مرز عصیان نزدیک کرده و مبارزات کارگران و لایه‌های مردم در حال رشد است، اما، به ویژه درباره ایران، اگر سازماندهی نشود، جز پراکندگی، هرج و مرج و شکست و سرخوردگی و ناامیدی چیزی به بار نخواهد آورد و انگیزه‌ای برای توجیه‌های ارتجاعی و کوشش در سرکوب آن خواهد بود و چون گذشته‌ها روز از نو و روزی از نو.

اینجاست که با توجه به پیشروتر بودن کارگران، دستمزد بگیران و لایه‌های گوناگون مردم در ایران، وظیفه همه تشکیلات‌ها و مبارزان در ایران است که بسختی برای پاسداری از دست‌آوردهای پیشینیان و ارزش‌های حقوق انسانی، به ویژه تاریخ مبارزات میهنمان، درس آموزی و خدمت به آن، دور از هرگونه گروه‌گرایی و اندیشه برتری، در راه همسوئی و اتحادهای آینده گام برداریم و با افزودن شیوه و ارزش‌هایی برپایه شرایط کنونی، راه نوینی را برگزینیم؛ هرچند که سوسو زدن چراغ‌هایی دیده می‌شود اما به گونه‌ای هنوز اندر خم یک کوچه هستیم؛ باید با اندیشه و کردار در همسوئی و همبستگی با یک دیگر، در خدمت مبارزات کارگران و مردم ایران، که جدا از مبارزه ستم‌دیدگان در جهان با سرمایه‌داری و ستمگری نیست، شتاب کرد

«مرد خردمند و هنرپیشه را

عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه اندوختن
با دگری تجربه بردن به کار»

حزب رنجبران ایران، ۱۳ جولای ۲۰۲۴